

تحلیل تأثیر استفاده از یادگیری ترکیبی بر تعاملات دانشجو-استاد در آموزش عالی

۱. آرزو کمالی*؛ دانشکده روانشناسی تربیتی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

چکیده

این پژوهش مروری به بررسی تأثیر یادگیری ترکیبی بر تعاملات دانشجو-استاد در آموزش عالی می‌پردازد. یادگیری ترکیبی که آموزش حضوری و آنلاین را ترکیب می‌کند، به‌عنوان یک رویکرد آموزشی مهم مطرح شده و فرصت‌های بیشتری برای تعامل فراهم می‌آورد. این مطالعه یافته‌های پژوهش‌های موجود را برای ارزیابی چگونگی تأثیر یادگیری ترکیبی بر کیفیت و فراوانی تعاملات دانشجو-استاد تحلیل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که یادگیری ترکیبی موجب افزایش مشارکت دانشجویان، تسهیل ارتباطات مداوم و حمایت از محیط‌های یادگیری فعال می‌شود. با این حال، چالش‌هایی مانند احساس انزوای احتمالی در میان دانشجویان نیز وجود دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که یادگیری ترکیبی به‌طور کلی تعاملات را در مقایسه با روش‌های سنتی بهبود می‌بخشد، اما طراحی و اجرای محیط‌های یادگیری ترکیبی باید به دقت و با در نظر گرفتن راهکارهای کاهش این چالش‌ها انجام شود. این مرور با ارائه پیشنهاداتی برای تحقیقات آینده، بر لزوم بررسی تجربیات متنوع دانشجویان و توسعه بهترین روش‌ها برای بهینه‌سازی تعاملات در محیط‌های یادگیری ترکیبی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: یادگیری ترکیبی، تعاملات دانشجو-استاد، آموزش عالی، مرور روایتی، یادگیری آنلاین، فناوری آموزشی

مقدمه

یادگیری ترکیبی (Blended Learning) به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین آموزشی در دهه‌های اخیر اهمیت بسیاری یافته است. این نوع یادگیری که تلفیقی از آموزش حضوری و آنلاین است، به‌طور گسترده‌ای در آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به تغییرات سریع در فناوری‌های آموزشی و نیاز به تطبیق با نیازهای یادگیرندگان معاصر، استفاده از یادگیری ترکیبی به یکی از ضروریات در سیستم‌های آموزشی تبدیل شده است (Garrison & Vaughan, 2008). در این راستا، تعاملات میان دانشجو و استاد به‌عنوان یکی از ابعاد کلیدی فرآیند یادگیری مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد. تعاملات مؤثر بین دانشجو و استاد نه تنها بر کیفیت یادگیری تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به تقویت انگیزه، احساس تعلق و موفقیت تحصیلی دانشجویان نیز کمک کند (Anderson & Elloumi, 2004).

یادگیری ترکیبی به‌عنوان روشی که در آن عناصر حضوری و مجازی به‌طور همزمان به‌کار گرفته می‌شوند، تعریف می‌شود. این رویکرد به دانشجویان امکان می‌دهد تا از مزایای هر دو نوع یادگیری بهره‌مند شوند؛ از جمله تعاملات رودررو با استاد و همکلاسی‌ها در کلاس‌های حضوری و نیز انعطاف‌پذیری زمانی و مکانی در کلاس‌های آنلاین (Bonk & Graham, 2012). تعاملات دانشجو-استاد به ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم میان دانشجویان و اساتید اشاره دارد که می‌تواند شامل جلسات حضوری، مباحثات آنلاین، ایمیل‌ها و دیگر شکل‌های ارتباطی باشد. آموزش عالی نیز به نظام آموزشی اشاره دارد که شامل تحصیلات دانشگاهی و موسسات علمی سطح بالا می‌شود و هدف آن تربیت نیروی انسانی متخصص و پژوهشگر است (صالحی عمران، ۱۳۹۸).

یادگیری ترکیبی به‌عنوان یک روش آموزشی در دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز شد و به‌سرعت جایگاه ویژه‌ای در میان روش‌های آموزشی پیدا کرد. این رویکرد به دلیل ترکیب عناصر مختلف آموزش حضوری و آنلاین، توانسته است تا نیازهای متنوع یادگیرندگان را به‌خوبی پوشش دهد. یادگیری ترکیبی نه تنها به دانشجویان امکان می‌دهد تا از مزایای آموزش حضوری و آنلاین بهره‌مند شوند، بلکه به اساتید نیز این امکان را می‌دهد تا از ابزارهای مختلف فناوری برای بهبود فرآیند یاددهی و یادگیری استفاده کنند (Graham, 2013). تاریخچه یادگیری ترکیبی نشان می‌دهد که این روش ابتدا به‌عنوان یک راهکار برای ترکیب بهترین ویژگی‌های آموزش حضوری و آنلاین مطرح شد و با گذشت زمان و بهبود فناوری‌های آموزشی، به‌عنوان یک رویکرد جامع و موثر شناخته شد.

در آموزش سنتی، تعاملات دانشجو-استاد به‌طور عمده به جلسات حضوری در کلاس درس محدود می‌شد. این تعاملات شامل مباحثات کلاسی، جلسات مشاوره و امتحانات بود که به دانشجویان امکان می‌داد تا به‌طور مستقیم با استاد خود در ارتباط باشند و سؤالات خود را مطرح کنند. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که این نوع تعاملات می‌تواند تأثیر مثبتی بر یادگیری و انگیزه دانشجویان داشته باشد (Biggs, 1999). با این حال، این نوع تعاملات محدود به زمان و مکان مشخصی بودند و دانشجویان در خارج از کلاس درس به‌ندرت فرصت ارتباط با استاد را داشتند (Chickering & Gamson, 1987).

با ورود یادگیری ترکیبی به محیط‌های آموزشی، تعاملات دانشجو-استاد نیز دستخوش تغییرات عمده‌ای شد. یادگیری ترکیبی امکان تعاملات بیشتر و متنوع‌تری را برای دانشجویان فراهم می‌کند. دانشجویان می‌توانند از طریق ابزارهای آنلاین مانند سیستم‌های مدیریت یادگیری (LMS)، ایمیل‌ها، فروم‌های بحث و گفتگو و حتی شبکه‌های اجتماعی با استادان خود در ارتباط باشند. این تغییرات به دانشجویان امکان می‌دهد تا در هر زمان و مکانی که نیاز دارند، با استاد خود ارتباط برقرار کنند و از راهنمایی‌های او بهره‌مند شوند (Garrison & Kanuka, 2004). علاوه بر این، یادگیری ترکیبی به دانشجویان اجازه می‌دهد تا به‌طور فعال در فرآیند یادگیری شرکت کنند و از ابزارهای متنوعی برای یادگیری استفاده کنند که این امر می‌تواند به بهبود کیفیت تعاملات میان دانشجو و استاد منجر شود (Allen & Seaman, 2013).

یکی از مزایای اصلی یادگیری ترکیبی، افزایش انعطاف‌پذیری در تعاملات دانشجو-استاد است. دانشجویان می‌توانند بدون محدودیت زمانی و مکانی، با استاد خود ارتباط برقرار کنند و از راهنمایی‌های او بهره‌مند شوند. این انعطاف‌پذیری می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش رضایت دانشجویان منجر شود (Dziuban et al., 2004). با این حال، یکی از چالش‌های استفاده از یادگیری ترکیبی این است که ممکن است به دلیل عدم حضور فیزیکی دانشجویان در کلاس‌های حضوری، احساس انزوا و عدم تعلق در میان دانشجویان افزایش یابد (Picciano, 2009). بنابراین، لازم است تا اساتید به‌طور فعالانه به طراحی و اجرای راهکارهایی بپردازند که تعاملات موثر و مداومی میان دانشجویان و خودشان برقرار کنند.

علاوه بر این، مطالعات نشان داده‌اند که یادگیری ترکیبی می‌تواند به افزایش تعاملات کیفی میان دانشجویان و استادان کمک کند. در یک مطالعه انجام شده توسط پژوهشگران، مشخص شد که دانشجویانی که در کلاس‌های ترکیبی شرکت می‌کنند، به‌طور قابل‌توجهی تعاملات کیفی بیشتری با استادان خود دارند و از این تعاملات بهره‌مند می‌شوند (Means et al., 2010). این نتایج نشان می‌دهد که یادگیری ترکیبی می‌تواند به بهبود کیفیت تعاملات و افزایش مشارکت دانشجویان در فرآیند یادگیری منجر شود. اهمیت بررسی این موضوع از آن جهت است که شناخت دقیق تأثیرات یادگیری ترکیبی بر تعاملات دانشجو-استاد می‌تواند به بهبود کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات علمی کمک کند. با توجه به افزایش تعداد دانشگاه‌ها و موسساتی که از یادگیری ترکیبی استفاده می‌کنند، بررسی این تأثیرات می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی در اتخاذ تصمیمات بهتر و بهینه‌تر کمک کند. از سوی دیگر، با توجه به تغییراتی که در تعاملات میان دانشجو و استاد با ورود به عصر دیجیتال رخ داده است، لازم است تا این تغییرات به‌طور دقیق تحلیل و ارزیابی شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷).

هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیر یادگیری ترکیبی بر تعاملات دانشجو-استاد در آموزش عالی است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که با گسترش استفاده از یادگیری ترکیبی، نحوه برقراری و کیفیت تعاملات میان دانشجویان و اساتید نیز تغییر می‌کند. این مقاله در پی آن است تا با مرور منابع موجود، تأثیرات مثبت و منفی این نوع یادگیری بر تعاملات دانشجو-استاد را تحلیل کند و راهکارهایی برای بهبود این تعاملات ارائه دهد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش مروری به منظور انتخاب منابع، ابتدا معیارهای مشخصی برای جستجوی مقالات و پژوهش‌ها تعیین کردیم. این معیارها شامل سال‌های انتشار، کیفیت و اعتبار مقالات، و زبان آن‌ها بود. برای اطمینان از جامعیت و دقت مرور، تنها مقالاتی را انتخاب کردیم که در مجلات معتبر علمی منتشر شده بودند و به‌طور مستقیم به تأثیر یادگیری ترکیبی بر تعاملات پرداخته بودند. در مرحله اول، جستجوهای گسترده‌ای در پایگاه‌های داده علمی معتبر مانند Google Scholar، PubMed و ERIC انجام دادیم. جستجوها بر اساس کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع مانند "یادگیری ترکیبی"، "تعاملات دانشجو-استاد"، و "آموزش عالی" صورت گرفت. این جستجوها شامل مقالات تحقیقی، مرورهای ادبیات، و گزارش‌های پژوهشی بودند که در سال‌های اخیر منتشر شده بودند تا از تازگی و به‌روز بودن اطلاعات اطمینان حاصل شود.

پس از جمع‌آوری منابع اولیه، مقالات را بر اساس معیارهای انتخابی خود مورد ارزیابی قرار دادیم. این ارزیابی شامل بررسی کیفیت علمی مقالات، روش‌های تحقیقاتی به‌کاررفته، و میزان ارتباط آن‌ها با موضوع اصلی بود. مقالاتی که از نظر علمی معتبر بودند و به‌طور مستقیم به تحلیل تأثیر یادگیری ترکیبی بر تعاملات دانشجو-استاد پرداخته بودند، انتخاب و به‌طور دقیق‌تر مطالعه شدند. در مرحله تحلیل، اطلاعات به‌دست‌آمده از مقالات منتخب به‌طور سیستماتیک دسته‌بندی شدند. این دسته‌بندی شامل تحلیل انواع مختلف تعاملات دانشجو-استاد که تحت تأثیر یادگیری ترکیبی قرار گرفته بودند، و بررسی مقایسه‌ای این تعاملات با سیستم‌های سنتی آموزشی بود. این تجزیه و تحلیل به منظور شفافیت بیشتر و درک بهتر اثرات مثبت و منفی یادگیری ترکیبی بر تعاملات دانشجو-استاد صورت گرفت.

یافته‌ها

در این بخش از مقاله، به تحلیل و بررسی یافته‌های مطالعات قبلی در خصوص تأثیر یادگیری ترکیبی بر تعاملات دانشجو-استاد می‌پردازیم. این یافته‌ها از طریق مرور سیستماتیک منابع معتبر گردآوری شده و در دسته‌بندی‌های مختلفی تحلیل شده‌اند. هدف از این تحلیل، درک بهتر از مزایا و چالش‌های استفاده از یادگیری ترکیبی و مقایسه آن با روش‌های سنتی آموزش است. مطالعات متعددی تأثیر یادگیری ترکیبی را بر تعاملات دانشجو-استاد بررسی کرده‌اند و به نتایج قابل توجهی دست یافته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش‌ها، یادگیری ترکیبی می‌تواند موجب افزایش تعاملات میان دانشجویان و اساتید شود. به‌ویژه در محیط‌های یادگیری ترکیبی، دانشجویان به‌طور فعال‌تری در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کنند و از ابزارهای متنوع ارتباطی مانند ایمیل، فروم‌های آنلاین و جلسات مجازی برای ارتباط با اساتید استفاده می‌کنند (Garrison & Vaughan, 2008). این افزایش تعاملات می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش رضایت دانشجویان منجر شود.

یکی از مطالعات انجام شده توسط Garrison و Kanuka (۲۰۰۴) نشان داد که یادگیری ترکیبی با ایجاد محیطی که در آن دانشجویان و اساتید به‌طور مداوم در تعامل هستند، می‌تواند به بهبود درک دانشجویان از مطالب درسی کمک کند. این پژوهش‌ها

نشان می‌دهند که در یادگیری ترکیبی، دانشجویان نه تنها از طریق جلسات حضوری با اساتید در ارتباط هستند، بلکه از طریق ابزارهای آنلاین نیز به منابع اضافی دسترسی دارند و می‌توانند سؤالات خود را مطرح کرده و به پاسخ‌های فوری دست یابند.

از سوی دیگر، پژوهش‌های داخلی نیز به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. به عنوان مثال، مطالعه‌ای که توسط رضایی و همکاران (۱۳۹۷) انجام شده است، نشان می‌دهد که یادگیری ترکیبی می‌تواند به افزایش کیفیت تعاملات دانشجو-استاد در مقایسه با روش‌های سنتی منجر شود. این مطالعه بیان می‌کند که دانشجویانی که در محیط‌های ترکیبی یاد می‌گیرند، از تعاملات گسترده‌تر و مؤثرتری با اساتید خود برخوردار هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که یادگیری ترکیبی نه تنها به افزایش تعاملات دانشجو-استاد کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به بهبود کیفیت این تعاملات نیز منجر شود.

در مقایسه با سیستم‌های آموزش سنتی، یادگیری ترکیبی به‌عنوان یک رویکرد نوین آموزشی تأثیرات قابل توجهی بر تعاملات دانشجو-استاد دارد. در آموزش سنتی، تعاملات دانشجو-استاد به‌طور عمده به کلاس‌های حضوری محدود می‌شود. این محدودیت زمانی و مکانی می‌تواند به کاهش تعاملات میان دانشجویان و اساتید منجر شود، زیرا دانشجویان تنها در زمان‌های مشخصی قادر به ارتباط با اساتید خود هستند (Biggs, 1999). علاوه بر این، در آموزش سنتی، فرصت‌های محدودی برای ارتباطات غیررسمی و غیرمستقیم میان دانشجویان و اساتید وجود دارد.

با این حال، یادگیری ترکیبی این محدودیت‌ها را برطرف می‌کند و به دانشجویان امکان می‌دهد تا از ابزارهای مختلف ارتباطی برای ارتباط با اساتید خود استفاده کنند. مطالعه‌ای که توسط Dziuaban و همکاران (۲۰۰۴) انجام شده است، نشان می‌دهد که در محیط‌های ترکیبی، دانشجویان به‌طور مداوم و در زمان‌های مختلف با اساتید خود در ارتباط هستند. این افزایش تعاملات می‌تواند به بهبود درک دانشجویان از مطالب درسی و افزایش انگیزه‌های تحصیلی آن‌ها منجر شود.

علاوه بر این، مطالعه‌ای که توسط صالحی عمران (۱۳۹۸) انجام شده است، نشان می‌دهد که یادگیری ترکیبی می‌تواند به افزایش تعاملات مؤثر میان دانشجویان و اساتید در مقایسه با روش‌های سنتی کمک کند. این مطالعه بیان می‌کند که در محیط‌های ترکیبی، دانشجویان به‌طور فعال‌تری در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کنند و از ابزارهای متنوعی برای یادگیری استفاده می‌کنند که این امر به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش رضایت دانشجویان منجر می‌شود.

یادگیری ترکیبی تأثیرات مختلفی بر تعاملات دانشجو-استاد دارد که می‌توان آن‌ها را در چند دسته مختلف مورد بررسی قرار داد: ارتباطات کلامی، ارتباطات مجازی، هماهنگی و حمایت عاطفی.

در حوزه ارتباطات کلامی، یادگیری ترکیبی به دانشجویان امکان می‌دهد تا از طریق جلسات حضوری و مجازی با اساتید خود در ارتباط باشند. این تنوع در روش‌های ارتباطی می‌تواند به بهبود کیفیت تعاملات کلامی میان دانشجویان و اساتید منجر شود (Picciano, 2009). به‌ویژه در کلاس‌های ترکیبی، دانشجویان می‌توانند در جلسات حضوری از اساتید خود سؤالات خود را مطرح کنند و در جلسات مجازی به بحث‌های عمیق‌تری درباره موضوعات درسی بپردازند.

در زمینه ارتباطات مجازی، یادگیری ترکیبی امکان برقراری تعاملات بیشتر و متنوع‌تری را فراهم می‌کند. دانشجویان می‌توانند از طریق ابزارهای آنلاین مانند ایمیل، فروم‌های بحث و گفتگو و پلتفرم‌های مدیریت یادگیری (LMS) با اساتید خود در ارتباط باشند. این نوع ارتباطات می‌تواند به بهبود دسترسی دانشجویان به منابع آموزشی و افزایش مشارکت آن‌ها در فرآیند یادگیری منجر شود (Means et al., 2010).

هماهنگی میان دانشجویان و اساتید نیز یکی از جنبه‌های مهم تعاملات در یادگیری ترکیبی است. در این محیط‌ها، اساتید می‌توانند از ابزارهای مختلفی برای هماهنگی بهتر میان دانشجویان استفاده کنند. به عنوان مثال، اساتید می‌توانند از طریق پلتفرم‌های آنلاین، برنامه‌های درسی و وظایف دانشجویان را به‌طور دقیق‌تر مدیریت کنند و به دانشجویان کمک کنند تا برنامه‌های خود را به‌خوبی اجرا کنند (Graham, 2013).

در نهایت، حمایت عاطفی نیز یکی دیگر از تأثیرات مثبت یادگیری ترکیبی بر تعاملات دانشجو-استاد است. در محیط‌های ترکیبی، اساتید می‌توانند به دانشجویان خود حمایت عاطفی بیشتری ارائه دهند، زیرا ارتباطات مجازی امکان ارائه راهنمایی‌ها و مشاوره‌های فوری را فراهم می‌کند. این حمایت عاطفی می‌تواند به افزایش انگیزه و رضایت دانشجویان منجر شود و آن‌ها را در مسیر تحصیلی خود حمایت کند (Allen & Seaman, 2013).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که یادگیری ترکیبی با ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تعاملات میان دانشجویان و اساتید، می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش رضایت دانشجویان منجر شود. با این حال، لازم است تا اساتید و مدیران آموزشی به‌طور فعالانه به طراحی و اجرای راهکارهایی بپردازند که تعاملات مؤثر و مداومی میان دانشجویان و خودشان برقرار کنند تا از چالش‌های احتمالی یادگیری ترکیبی پیشگیری شود.

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که یادگیری ترکیبی به‌طور کلی تأثیر مثبتی بر تعاملات دانشجو-استاد در محیط‌های آموزشی دارد. این نتایج با توجه به تئوری‌های موجود در حوزه آموزش و یادگیری قابل تفسیر است. بر اساس تئوری‌های ارتباطات آموزشی، تعاملات مؤثر میان دانشجو و استاد نقش کلیدی در بهبود فرآیند یادگیری ایفا می‌کند. یادگیری ترکیبی با فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای برقراری این تعاملات، به‌ویژه از طریق ابزارهای آنلاین، می‌تواند به افزایش کیفیت یادگیری و رضایت دانشجویان منجر شود (Garrison & Kanuka, 2004).

به‌علاوه، یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که یادگیری ترکیبی می‌تواند به بهبود درک دانشجویان از مطالب درسی کمک کند و فرصت‌های بیشتری برای مشارکت فعال آن‌ها در فرآیند یادگیری فراهم سازد (Graham, 2013). این امر به‌طور مستقیم با نظریه یادگیری اجتماعی و تعاملات آموزشی پیوند دارد، که بر اهمیت یادگیری از طریق مشارکت فعال و

تعاملات مداوم تأکید دارد. به همین دلیل، می‌توان گفت که یادگیری ترکیبی نه تنها موجب افزایش تعاملات میان دانشجو و استاد می‌شود، بلکه به بهبود کیفیت این تعاملات نیز منجر می‌شود (Allen & Seaman, 2013).

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، یعنی آیا یادگیری ترکیبی واقعاً تأثیر مثبتی بر تعاملات دانشجو-استاد دارد یا خیر، باید گفت که نتایج به دست آمده نشان دهنده تأثیرات مثبت این نوع یادگیری است. این نتایج با مطالعات مختلفی که نشان دهنده افزایش کیفیت تعاملات و بهبود مشارکت دانشجویان در یادگیری هستند، هماهنگ است (Dziuban et al., 2004). با این حال، نمی‌توان از چالش‌های موجود در این زمینه غافل شد. به عنوان مثال، یکی از چالش‌های اصلی یادگیری ترکیبی، امکان کاهش تعاملات حضوری و افزایش احساس انزوا در میان دانشجویان است (Picciano, 2009). این چالش‌ها نیازمند توجه ویژه‌ای از سوی اساتید و مدیران آموزشی است تا بتوانند با طراحی راهکارهای مناسب، این مسائل را به حداقل برسانند.

در این پژوهش نیز محدودیت‌هایی وجود داشته است که باید در تفسیر نتایج مورد توجه قرار گیرد. یکی از محدودیت‌های اصلی، محدودیت در دسترسی به منابع معتبر و به‌روز است. با توجه به اینکه بسیاری از مطالعات انجام شده در این زمینه پس از سال ۲۰۲۲ منتشر شده‌اند، امکان دسترسی به داده‌های جدیدتر و استفاده از آن‌ها در تحلیل‌های انجام شده محدود بوده است. همچنین، کیفیت داده‌ها و روش‌های جمع‌آوری آن‌ها نیز می‌تواند بر نتایج تأثیرگذار باشد. به عنوان مثال، برخی از مطالعات ممکن است از روش‌های کمی یا کیفی خاصی استفاده کرده باشند که ممکن است نتایج متفاوتی را ارائه دهد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین، نتایج این پژوهش باید با احتیاط تفسیر شود و در مطالعات آینده به دقت بیشتری نیاز است.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که یادگیری ترکیبی به‌طور کلی تأثیرات مثبتی بر تعاملات دانشجو-استاد دارد. این نوع یادگیری با فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای برقراری ارتباطات مؤثر و متنوع میان دانشجویان و اساتید، می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش رضایت دانشجویان منجر شود. همچنین، یادگیری ترکیبی با ایجاد محیط‌های تعاملی و مشارکتی، به دانشجویان امکان می‌دهد تا به‌طور فعال در فرآیند یادگیری شرکت کنند و از ابزارهای مختلف برای یادگیری استفاده کنند (Garrison & Vaughan, 2008).

پیشنهادات برای تحقیقات آینده شامل بررسی دقیق‌تر تأثیرات یادگیری ترکیبی در محیط‌های آموزشی مختلف و با استفاده از روش‌های تحقیقاتی متنوع است. به‌ویژه، نیاز است تا مطالعات بیشتری درباره تأثیرات یادگیری ترکیبی بر تعاملات اجتماعی و عاطفی دانشجویان انجام شود و راهکارهای موثری برای بهبود این تعاملات پیشنهاد گردد (صالحی عمران، ۱۳۹۸). همچنین، بررسی تأثیرات یادگیری ترکیبی بر گروه‌های مختلف دانشجویان با توجه به نیازها و شرایط خاص آن‌ها نیز می‌تواند به درک بهتری از این نوع یادگیری منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش می‌تواند کاربردهای عملی فراوانی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و طراحی برنامه‌های درسی داشته باشد. مدیران آموزشی و اساتید می‌توانند از نتایج به‌دست‌آمده برای بهبود روش‌های تدریس و افزایش تعاملات مؤثر در محیط‌های یادگیری ترکیبی استفاده کنند. این امر می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی منجر شود و به دانشجویان کمک کند تا در مسیر تحصیلی خود موفق‌تر باشند.

منابع

رضایی، ح.، احمدی، م.، و ملکی، ع. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر یادگیری ترکیبی بر کیفیت تعاملات دانشجو-استاد در آموزش عالی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۵(۲)، ۴۷-۶۲.

صالحی عمران، ع. (۱۳۹۸). آموزش عالی در ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها. تهران: نشر نی.

Allen, I. E., & Seaman, J. (2013). Changing course: Ten years of tracking online education in the United States. Sloan Consortium.

Biggs, J. (1999). Teaching for quality learning at university. Open University Press.

Dziuban, C., Hartman, J., & Moskal, P. (2004). Blended learning. EDUCAUSE Center for Applied Research Bulletin, 2004(7), 1-12.

Garrison, D. R., & Kanuka, H. (2004). Blended learning: Uncovering its transformative potential in higher education. *The Internet and Higher Education*, 7(2), 95-105.

Garrison, D. R., & Vaughan, N. D. (2008). Blended learning in higher education: Framework, principles, and guidelines. John Wiley & Sons.

Graham, C. R. (2013). Emerging practice and research in blended learning. In M. G. Moore (Ed.), *Handbook of distance education* (pp. 333-350). Routledge.

Means, B., Toyama, Y., Murphy, R., Bakia, M., & Jones, K. (2010). Evaluation of evidence-based practices in online learning: A meta-analysis and review of online learning studies. U.S. Department of Education.

Picciano, A. G. (2009). Blended learning: Implications for growth and access. *Journal of Asynchronous Learning Networks*, 13(1), 95-102.

The Impact of Blended Learning on Student-Teacher Interactions in Higher Education

1. Arezo Kamali*: Department of Educational Psychology, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Abstract

This review study explores the impact of blended learning on student-teacher interactions in higher education. Blended learning, which integrates both face-to-face and online instruction, has emerged as a crucial educational approach, offering flexibility and enhancing interaction opportunities. This study synthesizes findings from existing research to assess how blended learning affects the quality and frequency of student-teacher interactions. The results indicate that blended learning enhances student engagement, facilitates continuous communication, and supports active learning environments. However, it also presents challenges such as potential feelings of isolation among students. The findings suggest that while blended learning generally improves interactions compared to traditional methods, the design and implementation of blended learning environments must carefully consider strategies to mitigate these challenges. The review concludes by offering recommendations for future research, focusing on the need to explore diverse student experiences and develop best practices for optimizing interactions in blended learning settings.

Keywords: Blended learning, student-teacher interaction, higher education, narrative review, online learning, educational technology.
